

www.csr.ir

آینده عراق

علی محمد بشارتی

مقدمه

حرکت عظیم و دشمن سوز و استعمارستیزی که مردم عراق با هدایت روحانیت شیعه شروع کرده بود سرانجام در سال ۱۹۳۲ میلادی مطابق با ۱۳۱۱ هجری شمسی به بارنشست و به استقلال این کشور استراتژیک منتهی گردید.

از آن سال تا امروز بیش از هفتاد سال می‌گذرد. در این سالهای طولانی حوادث و مصائبی بر مردم عراق رفته است که از عراق و مردم عراق یک تصویر موحد و غیرقابل پیش‌بینی در تاریخ دیپلماسی معاصر ترسیم گردیده است. تلاش این بحث پیرامون این موضوع است. به عبارت دیگر حوادث تلخ و تکان‌دهنده این هفتاد سال از عراق یک کشور بلاخیز و پرافت و خیز ساخته است. جوشش

درونی اگر از یک بارقه امیدبخش و اثرگذار بیرونی حمایت شود جمع آن، توفانی به پا می‌کند که می‌تواند همه موانع و مشکلات را در جهت حرکت پویا و امیدبخش برطرف سازد و امید به پیروزی را قطعی نماید. برعکس چنانچه این جوش و خروش با عوامل بیرونی هماهنگ نباشد باز جمع جبری آن مطرح است که نمی‌توان به کمیّت و کیفیت آن دل بست و به آینده آن امیدوار بود.

مجموعه عواملی که عراق را در آغاز قرن بیستم به مبارزه کشاند دخالت‌های ناروا و افکار امپریالیستی قدرتهای استکباری حاکم بر خاورمیانه بود که ثروتهای فراوان این کشور پراستعداد و با ظرفیت را به تاراج می‌داد و سودی از این رهگذر عاید صاحبخانه نمی‌شد.



ادامه این وضع به تدریج آثار خود را بروز داد. اولین واکنشها قبل از جنگ جهانی اول یعنی حدود سالهای ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۰ به شکل مقاومت و نگرانی به ظهور رسید.

خودخواهیها و بی توجهیها و بی اعتنایی حکام جور و پادشاهان بی کفایت عثمانی و عوامل و گماشتگان آنها، فاصله مردم را از حاکمیت بیشتر کرد چون مردم درد خود را داشتند و حاکمان درد متفاوتی. دریغ از دولت و

ملتی که متفاوت بیندیشند. این تفاوت در اندیشه به تدریج در تفاوت اعمال خود را نشان

می دهد. جامعه شناسان و روانشناسان معتقدند دلشوره عمومی باید توسط حاکمیت درک

شود. عدم درک این نکته باعث نفی آن نمی شود بلکه با پدیده شوم مقاومت و مخالفت بروز

می یابد. اگرچه پدر مشکل را مشکل خود نداند و مترصد رفع آن نباشد در این صورت حداقل

کاری که فرزند می کند فاصله گرفتن از پدر و رفتن به راهی سوی راه پدر است. این اصل در

جامعه شناسی هم مصداق تام دارد. بی اعتنایی دولت عثمانی نسبت به خواسته ها

و آرمانهای مردم عراق در طول جنگ جهانی اول به شدت آشکار شد. جنگ چهارساله اول

که از ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به درازا انجامید چه در آن زمان که سوءسیاستهای پادشاهان عثمانی

موجب درگیر شدن این کشور در جنگ خونین و پرهزینه شد و چه در آغاز جنگ که پیشرفتهای

قابل ملاحظه سربازان عثمانی در جبهه های غرب و شرق داشتند و چه در آن سالها که ارتش

امپراطوری عثمانی مجبور به عقب نشینی از جبهه های مختلف گشت، مردم عراق جز بی تفاوتی و بی اعتنایی نسبت به این فراز و فرود واکنشی نداشتند. یعنی نه از پیروزی عثمانی

خوشحال شدند و نه از شکست نگران. و این اوج ناکامی زمامدارانی است که مشروعیت خود را از حمایت مردمی نمی گیرند و تداوم حاکمیت خود را در سایه پشتیبانی مردم ناممکن می دانند.

نگاهی گذرا به عراق

جمهوری عراق کشوری با ۶۰۰ هزار کیلومتر مربع وسعت و در حدود ۲۴ میلیون جمعیت

است. از آنجایی که حداقل در بیست و پنج سال گذشته آمار دقیقی از مردم عراق به صورت

رسمی صورت نگرفته است آخرین حد جمعیت و نرخ رشد را به صورت تقریبی آورديم.

در حدود ۶۵٪ جمعیت عراق یعنی حدود ۱۴ تا ۱۵ میلیون از مردم عراق مذهب شیعه را

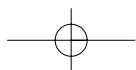
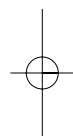
دارند. بقیه سنی مذهبند. از نظر اجتماعی و خاستگاه قومی در این کشور ۲/۵ میلیون کُرد و

در حدود ۲۰۰ هزار نفر ترکمن به سر می برند بقیه مردم عراق عرب هستند.

عراق با جمهوری اسلامی ایران - عربستان - کویت - اردن - سوریه و ترکیه مرز مشترک دارد.

عراق کشوری سخت ثروتمند است. عراق دومین کشور عضو اوپک به لحاظ ذخایر نفتی

است. حجم ذخایر نفتی عراق که تاکنون کشف شده است بیش از ۱۲۵ میلیارد بشکه است. به رغم ثروتمندی این کشور، مردم عراق جزء



فقرترین مردم دنیا هستند. عراق با داشتن جمعیت قابل ملاحظه و وسعت زیاد، تقریباً راه به دریا ندارد. عراق جز در ام‌القصر از دسترسی به دریا محروم است. بندر بصره نیز که به وسیله اروند رود به خلیج فارس متصل است در هر بحرانی به سرعت محدود و مسدود می‌شود. همین مسئله باعث ماجراجویی و جنگ طلبی دولتمردان عراق شده است.

عراق دارای زمینهای زراعی بسیار حاصلخیز و مناسب است. دو رودخانه عظیم دجله و فرات آب کافی برای کشاورزی مدرن و سنتی را در اختیار این کشور قرار داده است.

عراق با وضعیت جغرافیایی که ذکر شد با همه کشورهای همسایه خود اختلاف ارضی دارد. اختلافی که موجب بروز بحرانیهای بسیار برای این کشور شده است. بحرانی که یکی از عوامل جنگ هشت ساله با کشور ما شد.

سوءسیاستهای دولتمردان عراق موجب شده است که عراق به صورت یک کشور مقروض درآید. میزان این قرض حدود ۱۰۰ میلیارد دلار

تخمین زده می‌شود. این در حالی است که در جنگ ۸ ساله بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار از کشورهای عرب گرفت و حدود یکصد میلیارد دلار نیز در هنگام اشغال یکساله کویت در ۱۹۹۱ از این کشور به غارت برد.

عراق بعد از استقلال

استقلال عراق در سوم اکتبر سال ۱۹۳۲ میلادی به دست آمد. فاتحان جنگ جهانی اول حکومت

پادشاهی را برای این کشور در نظر گرفتند. با به قدرت رسیدن ملک فیصل در عراق کارها وفق مراد مردم آزاده این کشور پیش نرفت. به خصوص خواست اکثریت مردم عراق که شیعه‌اند و نقش اساسی و اصولی را در انقلاب عراق به زمامداری و زعامت مراجع تقلید داشتند اصلاً در نظر گرفته نشد. زمامداری طولانی «نوری السعید» رئیس‌الوزرای مستبد و خودکامه عراق نقش اساسی در محرومیت عراق داشت. در دوران همین پادشاهان جمع زیادی از مردم عراق کشته و مجروح و تبعید شدند و این خود آغاز مشکلات عدیده عراق شد.

دوران زمامداری فیصل با کودتای عبدالکریم قاسم در ۱۴ ژوئیه سال ۱۹۵۸ میلادی خاتمه یافت. ژنرال عبدالکریم قاسم سیاست گرایش به شوروی را در پیش گرفت و ناسیونالیزم تند را شعار خود قرارداد. از آنجایی که پرچمدار ناسیونالیزم در دنیای عرب در دست ناصر بود اختلاف بین مصر و عراق آغاز شد و تشدید گردید.

عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۳ پس از پنج سال قدرت مطلق توسط عبدالسلام عارف که معاون قاسم بود کشته شد. جنازه قاسم توسط هواداران عبدالسلام عارف در خیابانها و کوچه‌ها گردانده شد و اسائه ادب فراوان به آن گردید.

عبدالسلام عارف خود نیز توسط عبدالرحمن عارف در سال ۱۹۶۶ میلادی کشته شد و از دور خارج گشت. کودتای ژنرال حسن البکر در سال ۱۹۶۸ به زمامداری عبدالرحمن عارف خاتمه

داد. دولت حسن البکر دولت بعثی، خشن، صدام از ضدکودتا را هم مدنظر قرار دهند. بی تدبیر و خودکامه بود.

اهداف صدام از حمله به ایران

حکومت ده ساله احمد حسن البکر توسط معاونش به نام صدام در سال ۱۹۷۹ خاتمه یافت. زمامداری طولانی صدام آغاز بروز بحرانهای عمیق و عصیانهای فراوان در عراق است. صدام نیز با خشونت تمام در مقابل همه این حرکتها ایستاد و صف کشته‌ها و مجروحان و زندانیان عراق را طولانی کرد. صدام تصمیم می‌گرفت و حسن البکر اجرا می‌کرد برای نمونه در سال ۱۹۷۵ قرارداد الجزایر به امضاء صدام حسین و شاه ایران رسید. امضاء این قرارداد نشانگر این بود که حاکم واقعی عراق در دوره حسن البکر هم هیچ‌کس جز صدام نبود.

صدام حسین که حسن البکر را برای بلندپروازیهای خود مانع می‌دید و خوف آن را داشت که خود توسط هواداران البکر از دور خارج شود، در سال ۱۹۷۹ میلادی وی را به قتل رساند و خود اسماً و رسماً حاکم عراق شد.

صدام از ترس اینکه ژنرالهای ارتش بر علیه وی دست به کودتا زنند در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آنها را به جنگ ایران فرستاد. یعنی در دومین سال زمامداری. این موضوع حائز اهمیت بسیار است. تحلیلگران انگیزه‌های جنگ صدام بر علیه ایران اسلامی باید علاوه بر ماجراجوییها و بلندپروازیهای صدام، لاینحل ماندن شکل مرزی دراروند رود، حمایت از امارات در ادعای واهی نیست به جزایر تنب و ابوموسی، تحریک صدام توسط آمریکا و ارتجاع منطقه باید ترس

امروز تقریباً برای مردم دنیا ثابت شده است که صدام با هدایت و حمایت آمریکا جنگ هشت ساله را با ایران آغاز کرد. رمزی کلارک دادستان سابق آمریکا می‌گوید:

من همیشه بر این باور بوده‌ام که تحریکات ما باعث شد که عراق به ایران حمله ور شود. بعد از جنگ، عراق به طرف قوی تر شدن پیش رفت و متأسفانه این دیگر برای ما قابل قبول نبود. چون عراق نمی‌توانست حافظ منافع ما مثل شاه باشد. هیچ‌کس به خوبی شاه برای ما نخواهد بود.^(۱)

از نظر رمزی کلارک اتهامهایی نظیر حمایت از تروریسم و تولید سلاحهای کشتار جمعی عراق بهانه‌ای بیش نبود تا آمریکا به عراق حمله کند. «دلسی» رئیس سابق سازمان جاسوسی

آیا حمله به عراق مشروع بود؟

بحشی که تاکنون هم ادامه دارد و تا آخر هم ادامه خواهد داشت این است که آیا حمله به عراق بر مبنای اصول و موازین بین‌المللی صورت گرفته است یا خیر؟

امروز که بیش از همیشه دولتها از آن سخن به میان می‌آورند موضوع قانونمداری و پاسداری از موازین قانونی است. حتی زمامداران خودسر و دولتهای خودرأی و رژیمهای ضد مردمی هم هر چند عملکرد ناصحیح و کارنامه غیر قابل قبولی دارند اما هرگز نمی‌توانند اعمال خود را خلاف قانون بیان کنند. اهتمام به قانون و توجه به موازین، به خصوص ضوابط بین‌المللی و مقررات و هنجارهای عمومی امری پسندیده و پذیرفته است. این امر فی حد نفسه مثبت و جالب است که همه قانونگرا و علاقه‌مند به قانون هستند ولی عملکردها متفاوت است. تفاوت عملکرد نیز هرگز مبنی ضد قانون نیست برداشتها از قانون متفاوت است.

موضوع حمله به عراق اتفاقاً از مسائل بسیار مهم بین‌المللی به لحاظ مخالفت آن با منشور سازمان ملل است. رئیس جمهوری آمریکا پیشنهادی برای حمله به عراق به شورای امنیت ارائه داد. این پیشنهاد با مخالفت دو عضو دائم و مؤثر شورای امنیت یعنی فرانسه و روسیه قرار گرفت. دولت چین نیز به گونه‌ای مخالفت خود را اعلام کرد که البته بر مواضع خود در این موضوع پافشاری نکرد. به قول اهل منطق دولت

آمریکا هم می‌گوید:

«آمریکا پس از حمله به عراق به سراغ کشورهای مصر و عربستان خواهد رفت. وی که در همایشی در دانشگاه آکسفورد در انگلیس سخنرانی می‌کرد افزود: اکنون زمان آن فرا رسیده است که آمریکا اشتباهات خود را در قبال کشورهای عربی اصلاح کند و باید در چارچوب نابودی رژیمهای عربی گام بردارد و به سبب نیاز به نفت، در مقابل این رژیمها سکوت نکند. وی گفت آمریکا تصمیم دارد از تجزیه اروپای شرقی در خاورمیانه استفاده کند و اگر جنگی بر علیه عراق به راه انداخت ربطی به موضوع سلاحهای کشتار جمعی این کشور ندارد بلکه به خاطر گسترش دموکراسی در جهان عرب و اسلام خواهد بود.»^(۲)

اظهارات این مقام آمریکایی نشانگر آینده جهان از دیدگاه آمریکاییهای سلطه‌گر و ستیزه‌جوست. البته اگر آمریکا شرایط را برای تسلط بر جهان مناسب ببیند به همه کشورها حتی کشورهایی نظیر روسیه و فرانسه هم حمله خواهد کرد. کارشناسان نظامی - امنیتی آمریکایی فایل‌های متعددی را برای سلطه درازمدت و کوتاه‌مدت بر کشورها و مناطق دنیا تهیه کرده‌اند. اما تجربه ثابت کرده است هیچ وقت شرایط وفق مراد زورمداران و پیش نخواهد رفت چون عقلای عالم و اندیشمندان جهان، دنیای عاری از تهدید و جهان قانونمدار را ترجیح می‌دهند.

چین با پیشنهاد آمریکا مخالف بود اما مخالفت نکرد!؛ اما روسیه و فرانسه شدیداً مخالف کردند. این مخالفتها سرانجام آمریکا را وادار کرد که پیشنهاد خود را از شورای امنیت پس بگیرد. سؤالی که از نظر محافل بین‌المللی و از دیدگاه دیپلماسی مطرح است این است که آیا حمله به عراق مصوبه شورای امنیت لازم داشت یا خیر؟ اگر این حمله با موافقت شورای امنیت مشروعیت می‌یافت بنابراین چون در شورای امنیت طرح و بررسی و تصویب نشد خلاف قانون بود. اگر از دید آمریکا این حمله نیازی به مصوبه شورای امنیت نداشت اصولاً چرا آمریکا از آغاز در شورای امنیت طرح کرد؟ و حتی حاضر شد قسمتهایی از آن را به منظور جلوگیری از مخالفت فرانسه و روسیه حک و اصلاح کند؟^(۳) چرا سرانجام آمریکا که روسیه و چین را در مخالفت سرسخت و انعطاف‌ناپذیر یافت خودسرانه به عراق حمله کرد؟ حمله به عراق فقط با مخالفت روسیه و چین و فرانسه روبرو نشد بلکه به غیر از رژیم صهیونیستی و انگلیس و موافقت ضمنی اسپانیا و استرالیا و ایتالیا... بقیه کشورهای جهان بالاتفاق آن را محکوم کردند. حمله به عراق با مخالفت گسترده و بی‌سابقه مردم آمریکا و انگلیس روبرو شد که بعد از جنگ ویتنام سابقه نداشت.^(۴) به گفته شبکه بین‌المللی الجزیره به نقل از روزنامه لوموند، بعد از جنگ جهانی دوم دولت‌ها و مردم دنیا در هیچ پدیده و موضوعی مانند مخالفت با حمله آمریکا به عراق یکصدا و

متحد نشدند.^(۵) این نکته بسیار مهم است که مردم دنیا به رغم تفاوت دیدگاه که منشاء فکری - فرهنگی - اعتقادی - اقتصادی و سیاسی دارد در پاسداری از قانون متحدند. همین اتحاد اعلام نشده، اهمیت قانونمداری را نشان می‌دهد....

ژاک شیراک در اجلاس سران هشت کشور صنعتی در اوپان فرانسه در حضور جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا مجدداً اعلام کرد که حمله به عراق خلاف مقررات بین‌المللی صورت گرفته است. این یک واقعیت داشت که آقای شیراک اعلام کرد زیرا هیچ‌کدام از سران حاضر در اجلاس با مواضع شیراک در این مورد مخالفت نکردند. تنها جرج بوش به عنوان اعتراض گفت: اوپان را قبل از موعد مقرر ترک می‌کند؟! همین. یعنی آقای جرج بوش به جای پاسخ به اعتراض رئیس‌جمهور فرانسه و مشروع معرفی کردن حمله به عراق فقط قهر کرد و بس. آگاهان گفتند هوایم‌ای رئیس‌جمهور آمریکا فقط ۲۵ دقیقه قبل از ساعت مقرر فرانسه را ترک کرد؟! قطعاً اجلاس سران صنعتی جهان بر عدم تکرار حمله به کشورهای دیگر تأکید داشت.^(۶) این نیز، قبول لزوم قانونمندی و رعایت موازین بین‌المللی و منشور سازمان ملل توسط آمریکاست که پس از حمله به عراق نکته قابل ملاحظه‌ای است و نشانگر خلاف قانون بودن حمله آمریکا و متحدان آمریکا به عراق و ادامه اشغال این کشور است. همچنین این مصوبه، بالقوه حمله آمریکا به دیگر کشورها را به هر دلیل و با هر بهانه بدون تصویب

شورای امنیت سازمان ملل متحد موضوعاً منتفی می‌سازد.

موضوع پابندی آمریکا و دیگر قدرتهای

جهان همواره مورد خواست ملل جهان بوده

است اما قدرتها زمانی خود را مقید به قانون و

رعایت هنجارهای بین‌المللی می‌بینند که در

ادامه سلطه بر کشورها با مقاومت روبرو شوند.

این مقاومتها که برای سلطه خواهان بعضاً تلخ و

بسیار دشوار و مشکل‌زاست آنها را وامی‌دارد

که به بهانه رعایت قانون و نیز محکوم کردن

تروریزم هرگونه مقاومت در برابر اهداف

استعماری خود را نامشروع جلوه دهند. این نیز

موضوع بسیار مهمی است که بحث مستقلی را

می‌طلبد که در آینده به آن خواهیم پرداخت.

عمومی نسبت به حاکمیت، حجم گسترده زباله و

آشغال در معابر عمومی و در منظر خاص و عام...

دال بر بی‌کفایتی حزب بعث و افسارگسیختگی

امور عراق قبل از جنگ بود. همین امور بود که

آمریکارا در حمله به عراق و اشغال این کشور

و سوسه کرد.

آمریکا با این پیش فرض درست که رژیم

بعث مورد حمایت و عنایت مردم عراق نیست

به یک پیشداوری غلط رسید که اشغال این

کشور می‌تواند مورد حمایت مردم عراق قرار

گیرد؟! درست است که مردم عراق با حزب

بعث مخالف بودند و مخالفت می‌کردند صف

طولانی کشته‌های مردم عراق در صحنه‌های

مختلف، وجود زندانهای مخوف و متعدد، تبعید

گسترده مبارزان، در بدری جمع زیادی از اهالی

عراق در بحران اشغال

مجموعه عواملی که سرانجام به حاکمیت حزب

بعث پایان داد را باید به فرصت دیگری موکول

کنیم اما در این مقال و در یک جمله باید گفت

از آن زمان که زمامداران خودکامه به جای جلب

رضایت مردم به منظور جلب حمایت آنها به

حمایت قدرتهای خارج از حاکمیت ملی دلخوش

می‌شوند راه نابودی خود را آغاز می‌کنند. به

میزانی که از مردم دور می‌شوند در نابودی خود

تسریع می‌کنند. به هر مقدار به طرف حمایت

قدرتهای بیرونی گام برمی‌دارند بر تابوت خود

میخ می‌کوبند. حمایت بیرونی اگر مکمل

پشتیبانی درونی باشد مؤثر و مهم است.

به عبارت بهتر مبنای اقتدار ملی و حاکمیت ملی



عراق، فقر و فاقه عمومی... دلایل محکم این ادعاست. اما تجربه تاریخی و عینی نشانگر این است که عدم پذیرش حاکم غیرملی دلیل بر عدم پابندی به حاکمیت ملی نیست. مردم دنیا با هر خاستگاه ملی و سیاسی با دخالت بیگانگان در امور داخلی کشورشان شدیداً مخالفند و مخالفت می‌کنند. ناکامی قدرتهای استکباری در استعمار و استثمار طولانی کشورها همین نظر را تأیید می‌کند.

یک روز شارل دوگل رئیس جمهور فرانسه می‌گفت: همان گونه که رودخانه تایمز دو بخش لندن را از یکدیگر مجزا کرده است دریای مدیترانه، فرانسه و الجزایر را از هم جدا کرده است.^(۷) پس الجزایر جزء تجزیه‌ناپذیر فرانسه است! اما مبارزات خستگی‌ناپذیر مردم الجزایر که یک میلیون کشته برجای گذاشت سرانجام این کشور را در ۱۹۶۱ هجری به استقلال رساند و قوای اشغالگر فرانسه با ذلت خاک این کشور را ترک کردند.

ببینید:

علمی، نظامی و مسکونی مردم شمال را در هم می‌کوبیدند فایده‌ای برای دولت آمریکا نداشت. آمریکا مجبور شد برای ادامه حاکمیت غیرمشروع خود سالانه ۸۰ میلیارد در این جنگ هزینه کند. به قولی آمریکا برای کشتن یک ویتنامی یک میلیون دلار می‌پرداخت.^(۸) سرانجام آمریکا مجبور شد تحت فشار مقاومت و مخالفت مردم ویتنام و مخالفت شدید دولتها و مردم دنیا و مردم خود آمریکا با شکست سنگین و ذلت بسیار خاک این کشور را در سال ۱۹۷۵ ترک کند. تعداد کشته‌های آمریکا در این جنگ ۷ ساله هرگز به درستی معلوم نشد اما کارشناسان کشته‌های آمریکایی را ۶۰۰ هزار نفر و مجروحان را ۲ میلیون نفر و خسارتهای اقتصادی را چیزی در حدود ۵۰۰ میلیارد دلار اعلام کردند.^(۹)

اهتمام آمریکا به جنگ ویتنام و اهمیت حفظ پرستیژ نظامی و سیاسی آمریکا را در جنگ ویتنام را از یک سند به خوبی می‌توان فهمید.

تاج الملوک همسر رضاخان و مادر محمدرضا می‌نویسد: «یک روز محمدرضا که خیلی ناراحت بود به من گفت: مادر جان مرده شور این سلطنت را ببرد که من شاه و فرمانده کل قوا هستم و بدون اطلاع من هواپیماهای ما را برده‌اند ویتنام».

«آن موقع جنگ ویتنام بود و آمریکاییها که از قدیم در ایران حضور نظامی داشتند هر وقت احتیاج پیدا می‌کردند از پایگاههای ایران و امکانات ایران با صلاحدید خود استفاده

زمانی نیز زمامداران آمریکا اعم از جمهوریخواه و دموکرات بر عزم جزم و اشنگتن بر ادامه اشغال ویتنام تأکید می‌کردند. تجزیه کشور به دو بخش شمالی و جنوبی و تحمیل یک دست‌نشانده به نام «ژنرال وان تیو» به عنوان رئیس جمهور ویتنام جنوبی و سیل کمکهای تسلیحاتی و اقتصادی برای کمک به این ژنرال وابسته، سودی نبخشید. حملات گسترده هواپیماهای B-۵۲-F-۵-F-۴ به مردم ویتنام شمالی که تمامی مراکز اقتصادی فرهنگی -

۱۶۴

می کردند و حتی اگر احتیاج داشتند از هواپیماها و یدکیهای ما استفاده می کردند برای پشتیبانی نیروهای خودشان در ویتنام. حالا بماند که چقدر سوخت مجانی می زدند و اصلاً کل بنزین هواپیماها و سوخت کشتیهایشان را از ایران می بردند.^(۱۰)

به رغم این هنجارشکنیها و استفاده از امکانات گسترده کشورهای عضو «ناتو» و «سنتو» و «سیتو» آمریکا در به زانو درآوردن مقاومت مردم ویتنام ناکام ماند و خاک این کشور را ترک کرد. آمریکا در آن سالها کامبوج و حتی لائوس را در تصرف داشت تا در حاشیه امن ویتنام قرار گیرد. اما شرایط هرگز وفق آمریکا پیش نرفت.

آمریکا توسط استرالیا، ژاپن، اندونزی، کره جنوبی و سایر اعضای سیتو در جنگ ویتنام حمایت می شد. این سنت خلل ناپذیر طبیعت است که شناکردن در جهت خلاف رودخانه معقول، پایدار و مفید نیست. به بندکشیدن استقلال کشورها و تحقیر ملتها شدنی نیست.

امروز هم که آمریکا، عراق را به تصرف درآورده است تاکنون قیمت زیادی بابت این خبط و خطای خود پرداخته است هم به لحاظ اقتصادی و نظامی و هم به دلیل پرستیژ و حیثیت سیاسی. و این تازه اول کار است به تدریج که مردم عراق به خود آیند و به ماهیت نیت اشغال کنندگان بیشتر پی ببرند مقاومتهای مردمی روبه افزایش خواهد گذاشت مقاومتهایی که در قالب کم کاری، تحصن، راهپیمایی، تظاهرات اعتراض آمیز آغاز می شود و به حمله به منافع

آمریکا و کارشکنی در امر صادرات نفت که هدف اصلی آمریکا از اشغال عراق است ادامه می یابد و سرانجام با حمله به اشغالگران و نظامیان آمریکایی می انجامد. آمریکا ابتدا تصور می کرد که خشم مردم از حزب بعث اشغال عراق را توجیه پذیر می کند اما الحق که کارشناسان آمریکایی جامعه شناسی انسانی و تفکر اسلامی ظلم ستیز را نمی دانند. در پنتاگون می نشینند و خواب تفوق بر دنیا را تدوین می کنند اما فاصله این خیال تا عمل و تحقق این فکر با واقعیتهای انکارناپذیر جهان امروز فاصله اندیشه تا خیال است.

برای توجه بیشتر، به ارائه یک سند در مورد مقاومت مردمی در عراق در برابر اشغالگران بسنده می کنیم:

خبرگزاری فرانسه به نقل از فرماندهی مرکزی آمریکا در عراق اعلام کرد افراد ناشناس با سلاحهای سبک و موشک انداز آر پی - جی به نیروهای آمریکایی در شهر فلوجه در ۵۰ کیلومتری غرب بغداد حمله کردند که در اثر آن ۲ تنگدار آمریکایی کشته و ۹ نفر دیگر مجروح شدند نیروهای آمریکایی مستقر در تانکهای برادلی به این حمله پاسخ دادند که در اثر آن دو تن از عراقیها کشته و ۶ نفر دیگر اسیر شدند. در جریان این درگیری یک فروند هلی کوپتر آمریکایی آسیب دید.

رادیو عراق آزاد نیز دیروز اعلام کرد یک زن عراقی در یک عملیات انتحاری به مقر سپاه پنجم ارتش آمریکا مستقر در شهر بعقوبه حمله

در مورد آخرین اطلاع راجع به سلاحهای کشتار جمعی تشکیل شده بود به تشنج انجامید. خبرگزاری رویتر؛ روز چهارشنبه از لندن گزارش کرد اعضای مجلس عوام، سوالات متعددی از بلر در مورد فریبکاری وی در دخالت نظامی به عراق داشتند. نمایندگان گفتند: آقای بلر شما در توجیه حمایت از آمریکا در حمله به عراق مردم خود را فریب داده‌اید. بلر که خود را در برابر سوالات فراوان و تندنمایندگان مشاهده کرد تمامی گناه این حرکت را به گردن مقامات اطلاعاتی انگلیس انداخت. وی در ادامه گفت: اطلاعات غلط مقامات اطلاعاتی در مورد امکانات تسلیحاتی صدام مرا فریب داد.^(۱۳) با توجه به اینکه آقای تونی بلر نقطه نظرات خود را از روی متن از قبل تهیه شده می‌خواند اوج درماندگی دولت انگلیس را در حمله به عراق و گرفتاریهای فراوان و پرهزینه انگلیس در این کشور می‌رساند. به خصوص این تصویر زمانی مشوه‌تر و بدتر می‌شود که اضافه کنیم شرکتهای نفتی آمریکایی هیچ‌گونه امتیازی به شرکتهای انگلیسی در بازسازی مناطق نفتی عراق و استخراج و صدور آن نداده‌اند. آقای جرج بوش هم در روز پنج‌شنبه در جمع نظامیان و فرماندهان ارتش آمریکا که در عراق مأموریت دارند در پاسخ سؤالات متعدد نظامیان که تاکنون هیچ‌گونه سلاح کشتار جمعی در عراق نیافته‌ایم گفت: عراق کشور وسیعی است و صدام عنصر فریبکاری بود ما عاقبت موفق به کشف این سلاحها می‌شویم.

کرد. این رادیو افزود در این عملیات انتحاری این زن بدون توجه به ایست نیروهای آمریکا با دو نارنجک خود را در نزدیکی آنها منفجر کرد در این عملیات این زن کشته شد و تلفاتی به نیروهای آمریکایی وارد آمد. این رادیو در ادامه افزود بر اثر حمله افراد ناشناس به یک خودروی زرهی آمریکا در منطقه «العامریه» ۴ تفنگدار آمریکا کشته و زخمی شدند...^(۱۱) میزان کشته‌ها و مجروحین آمریکایی در سه ماه که از آغاز جنگ بر علیه عراق می‌گذرد به درستی معلوم نیست اما نگرانی و سردرگمی آمریکا از اشغال عراق موجب شده است که این کشور از دیگر کشورها بخواهد نظامیان خود را برای کمک به سربازان آمریکایی به عراق بفرستند.

به گزارش شبکه تلویزیونی فاکس نیوز و C-N-N آمریکا به تازگی از دولت آرژانتین خواست که بخشی از نیروهای نظامی خود را به کمک نظامیان آمریکایی مستقر در عراق بفرستد تا در ادارهٔ عراق به آمریکا کمک کنند.^(۱۲) به نظر نمی‌رسد که دولت آرژانتین با توجه به مشکلات قوای آمریکا در عراق و کشته‌ها و مجروحین زیاد آمریکا پاسخی به درخواست واشنگتن بدهد.

واکنش بوش و بلر در برابر مقاومت مردم عراق

خبرگزاریها گزارش کردند اجلاس مجلس عوام انگلیس که به منظور توضیحات تونی بلر

خبرگزاریها گزارش کردند پاسخ بوش نظامیان را قانع نکرد. آنها گفتند ما مردم دنیا را از ترس استفاده عراق از سلاحهای کشتار جمعی که دروغی بیش نبود فریب دادیم. و این اوج درماندگی اشغالگران را نشان می دهد.

اگر بپذیریم که به تدریج مردم عراق خود را باز خواهند یافت پیش بینی می شود که آینده

حضور نظامی آمریکا در عراق برای واشنگتن بسیار سخت و دشوار و پرهزینه است. این البته مفهوم آن این نیست که آمریکا بلافاصله پس از رسیدن به بن بست تصمیم به عقب نشینی و بازگشت از راه پرخطر و خطا دارد. عقلای عالم

پس از هر مرحله از اقدام خود به ارزیابی عمل می پردازند. از نقاط مثبت بهره می گیرند و نقاط منفی را اصلاح می کنند. به همین دلیل همواره

مطرح اند و مورد احترام. اما وقتی به جای عقل، سلاح مطرح باشد و به جای تفکر از دلار بهره گرفته شود احتمال به جریان افتادن امور بر وفق مراد عقل و منطق و رای اکثریت نیست.

واکنش جمهوری اسلامی ایران در تحولات عراق

مواضع ما برخاسته از تفکر اسلامی ماست. ما از منظر اسلام به مسائل می نگریم. اسلام دین محبت، صمیمیت و دوستی است. کشور ما مانند اکثریت کشورهای عالم در بحران اشغال عراق موضعی خردمندانه و درست گرفت. ما از همان آغاز از حمله نظامی به عراق حمایت نکردیم زیرا معتقد بودیم که حزب بعث و شخص

صدام مشکل مردم عراق است. اگر دنیا، مردم عراق را آزاد می گذاشت آنها می توانستند رژیم ستمگر حاکم بر عراق را سرنگون کنند. که البته این طور نشد.

۱- ما اعتقاد داشته و داریم که اشغال نظامی کشورها صلح جهانی را به خطر می اندازد و غلط است.

۲- اعتقاد راسخ ما این است که عدم پابندی به منشور سازمان ملل می تواند بهانه ای به دست زورمندان بدهد تا به کشورهای دیگر حمله کنند و در نتیجه ناآرامی در سطح جهان تعمیم یابد.

۳- همواره اعتقاد داشته و داریم که هیچ کس و هیچ قدرتی نباید در امور داخلی دیگر کشورها دخالت کند.

۴- بارها گفته ایم که هر کشوری با هر تفکری که اداره می شود باید مورد احترام دیگر کشورها باشد.

۵- بارها تأکید کرده ایم که هیچ قدرتی و کشوری نباید تفکر خود را به دیگر کشورها دیکته کند یا از مردم دیگر کشورها بخواهد مانند او فکر کنند که به آن امپریالیزم فکری می گوئیم.

۶- از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی ما با همه کشورها (به جز یک کشور خاص) رابطه سیاسی برقرار کردیم. به بسیاری از کشورهای دنیا با رژیمهای مارکسیستی، کمونیستی، سوسیالیستی، پادشاهی دیکتاتوری، کودتایی... سفر کردیم. مواضع خود را برای مقامات کشورها تشریح کردیم و مواضع آنها را از زبان زمامداران آنها



باید بدون دخالت دیگران نظام مطلوب خود را ایجاد کنند.

۱۰- انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ملجأ و ملاذ و مرجع روحی و معنوی مسلمانان جهان عموماً و شیعیان به خصوص می باشد. این مرکزیت به معنی محل تحریک گروههای شیعه نبوده و نیست. همچنان که حوزه علمیه نجف هزار سال ملجأ و ملاذ و مرکز معنوی و مرجعیت شیعیان جهان و شیعیان ایران بوده است.

۱۱- ما هیچگاه خشونت را ترویج نمی کنیم و به خشونت دامن نمی زنیم. بنابراین اگر در آینده، اشتباهکاری آمریکا موجب بروز خشونت در عراق شد ما هرگونه دخالت خود را در این امور به شدت رد می کنیم. خشونت هم باعث خشونت و هم ریشه خشونت است. باید امور را ریشه ای حل کرد.

۱۲- ما هرگز با گروه طالبان رابطه سیاسی - اقتصادی و نظامی نداشته ایم. خشونتهای این گروه به شدت سیاسی موجب نفرت مقامات ما و مردم ما شد. هر اقدامی که این گروه خیره سر و وابسته در داخل افغانستان و یا در خارج از افغانستان مرتکب شد از دید ما محکوم است. هیچ کدام از مقامات طالبان در کشور ما نیستند و از حمایت دولت ما و مسئولان ما و حتی گروههای سیاسی کشور ما برخوردار نیستند. ما خود از رهگذر حکومت طولانی طالبان در افغانستان خسارتهای زیادی دیدیم. وابستگی این افراد بی هویت، نادان، مردم ستیز و قانون گریز به قدرتهای جهانی برای همه دنیا روشن بود.

شنیدیم. بدون آنکه بخواهیم در امور داخلی آنها مداخله کنیم. نگارنده که در مدت ده سالی که قائم مقام وزیر امور خارجه بودم به بیش از یکصد کشور دنیا مسافرت رسمی داشتم. با زمامداران آنها به بحث و مذاکره طولانی نشستم و در جهت تحکیم روابط بین دو کشور تلاش کردم. این موضع سیاسی کشورماست که ما با همه کشورهای دنیا می توانیم در تفاهم و دوستی بسر ببریم و روابط سیاسی - اقتصادی خودمان را توسعه بدهیم. (البته به جز اسرائیل که آن را رژیم غاصب و خونخوار می دانیم). با دولت آمریکا هم اگر احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی ما را بپذیرد مشکلی نخواهیم داشت.

۷- امروز که عراق به اشغال نظامی آمریکا درآمده است ما بر مبنای اصول سیاست خارجی خود و موازین بین المللی مخالف این اشغال هستیم. آمریکا باید هر چه زودتر به اشغال عراق خاتمه دهد.

۸- ما به رغم مخالفت با اشغال عراق، هیچ گونه مساعدت نظامی به مردم عراق و یا به گروه خاصی از مردم عراق برای رودرویی با نظامیان آمریکایی نکرده و نخواهیم کرد. مردم عراق بالغ و عاقل و سیاسی هستند. اشغال کشورشان بزرگ ترین انگیزه مبارزه آنها با اشغالگران است. آنها نیازی به تحریک از خارج ندارند.

۹- آینده متعلق به مردم عراق است. جمهوری اسلامی کمکی برای رسیدن مردم عراق به این هدف نخواهد کرد. این مردم عراق هستند که

۱۶۸

۱۳- ما رژیم اشغالگر قدس را به دلیل اشغالگری و سرکوب و خونریزی محکوم می‌کنیم. از مردم فلسطین حمایت معنوی داریم. هیچ‌گونه کمک اقتصادی و نظامی در اختیار گروه‌های مسلح فلسطینی نگذاشته‌ایم. جمهوری اسلامی ایران هیچ محلی برای آموزش گروه‌های فلسطینی ندارد. آنها اصولاً چنین تقاضاهایی هم از ما ندارند. دو نسل از آوارگی و درگیری و قتل و کشتار بهترین انگیزه را به مردم فلسطین برای مبارزه داده است.

۱۴- ما از مردم و دولت لبنان در آزادی کشورشان از سلطه اسرائیل حمایت معنوی کرده و می‌کنیم. این حمایت از محبت و تأیید لفظی آنها تجاوز نکرده است. آنها به قدر کافی انگیزه برای نبرد با اسرائیل دارند که از سالها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه با اشغال کشور را در دستور کار خود داشته‌اند.

۱۵- ما جزء اولین کشورهایی بودیم که حوادث یازده سپتامبر در آمریکا را محکوم کردیم. هنوز هم به رغم روشن نبودن ماهیت موضوع بر مواضع قبلی خود پافشاری داریم. اصولاً کشتن افراد بی‌گناه را به هر بهانه و دلیل که باشد محکوم می‌کنیم. متأسفانه آمریکا به جای تشکر از مواضع ما روش خشونت و تهدید بر علیه ما را تشدید کرد. البته ما مواضع اصولی خود را نه به خاطر آمریکا بلکه به خاطر مبانی خود اتخاذ کرده و می‌کنیم.

۱۶- حرف ما این است که به جای توسعه و تکثیر تسلیحات به تقویت روابط اقتصادی، اشتغال، رفع تبعیض، رفع بیسوادی، رفع بیماری مردم فقیر دنیا باید کوشید. امروز ۲ میلیارد نفر از جمعیت دنیا زیر خط فقر زندگی می‌کنند. باید به مردم دنیا کمک کرد تا بتوانند با تولید انبوه و توسعه کشاورزی، فقر خود را که منشاء فساد - بیماری - تروریزم و خشونت است برطرف کنند و به آینده شاد و امیدبخش امیدوار شوند. این خط یعنی خط توسعه اقتصادی تنها راه مبارزه ریشه‌ای با تروریزم است. آنهایی که جداً دنبال حل مشکل تروریزم هستند باید مشکل اقتصادی مردم دنیا و تبعیض و تحقیر کشورها را کنار بگذارند. و در توسعه اقتصادی کمک کنند. تروریزم از دیدگاه اسلام منشاء بی‌عدالتی است.

۱۷- ما آمادگی داریم که تجربه خود را در زمینه اقتصادی و فن‌آوری کشاورزی و دامداری بدون چشمداشت در اختیار کشورهای نیازمند قرار دهیم تا آنها هم بتوانند از تکنولوژی متوسط به حل بخشی از مشکلات خود بپردازند. کاری که در بعضی از کشورهای جهان سوم انجام داده‌ایم و رضایت و رغبت مسئولان آن کشورها هم به همراه داشته است.

۱۸- امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در فرمان مشهور به مالک‌اشتر که وی را به استانداری مصر می‌فرستند مرقوم می‌فرماید مردم از دوستانه بیرون نیستند: *أَمَّا آخِ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرِ لَكَ فِي الْخَلْقِ*^(۱۴) یا مسلمانند که در دین با تو برابری و یا مسلمان نیستند که در خلقت مشابه تواند. پس با هر دو با مهربانی رفتار کن. ما به رغم اینکه تنها حکومت صددرصد اسلامی



۱۷۰

در عالم داریم با همه مردم دنیا با مذاهب و مکاتب و خاستگاههای دینی و فرهنگی متفاوت، بر مبنای احترام متقابل رابطه داریم. ۱۹- ما برای مردم آمریکا هم احترام فائیم. به شهادت تاریخ به رغم خسارتهای غیرقابل جبران که از سال ۱۳۳۲ به بعد از ناحیه عملکرد غیر صحیح دولتمردان آمریکایی به کشور و مردم ما وارد آمده است زیانی از ناحیه ملت و کشور ما به مردم آمریکا وارد نیامده است. این قولی است که جملگی برآند. به هنگام سقوط هواپیمای ارباس مسافری ما توسط ناو آمریکایی وینسنس من در امارات عربی بودم. خبرنگاری از من پرسید موضع شما پس از اسقاط هواپیمای مسافربری ایرانی توسط آمریکا چیست؟ پاسخ دادم:

اگر بلافاصله پس از سقوط هواپیمای مسافربری ما توسط آمریکا، هواپیمای پان آمریکن از نزدیکی مرزهای هوایی ما پرواز می کرد ما متعرض آن نمی شدیم. سپس ادامه دادم: آمریکا جانی و جنایتکار است و به صغیر و کبیر رحم نمی کند ما که این گونه نیستیم.

این موضعگیری زمانی ابراز شد که چشم مردم ما از تکه تکه شدن اجساد ۲۹۰ مسافر هواپیمای مسافربری که در یک پرواز عادی از بندرعباس عازم دبی بود خون گرفته بود. در چنان شرایطی که بسیاری از کشورها به خود حق می دهند به هر کاری دست بزنند و کار خود را دفاع مشروع جلوه دهند و به قول حقوقدانها «عذر برانگیختگی» هم دارند اما جمهوری

اسلامی اصولگراست.

۲۰- ما با تروریزم، تولید تکثیر و استفاده از سلاحهای کشتار جمعی، تهیه سلاحهای غیرمتعارف مانند سلاحهای هسته ای، تهدید کشورها و ملتها مخالفیم. ما آمادگی داریم که کلیه فعالیتهای هسته ای خود را همواره زیر نظر آژانس بین المللی که تاکنون بوده است انجام دهیم.

۲۱- امروز تمامی سیاستها-اعمال-موضعگیریهای ما دقیقاً توسط قدرتها به خصوص آمریکا پیگیری - ارزیابی و تجزیه و تحلیل می شود. تمامی کانالهای شش گانه تلویزیون و محتوای برنامه های رادیویی ما ضبط، بررسی و تحقیق و تجزیه و تحلیل می گردد. آنها اگر مسئله ای خلاف این موازین را از طرف ما مشاهده می کردند به سرعت اگر اندیسمان می نمودند و توسط امپریالیسم خبری به همه دنیا مخابره می کردند تا جوسازی بر علیه ما بیاغازند و راه را برای تهدید و غیره هموار سازند. اما آمریکا چون بهانه ای بر علیه ما ندارد اتهام وارد می کند. ما هم با موضعگیری ناشیانه، غلط و نامتعادل دولتمردان آمریکا در بیست و پنج سال گذشته عادت کرده ایم.

موضعگیری از رهگذر اصول

ما اصول و مواضعی داریم. موضعگیریهای ما از رهگذر احساسات نیست. عقل و منطق همواره بر مواضع ما سایه انداخته است. مواضع ما بر مبنای اسلام و قانون اساسی و برخاسته از عقل و شرع است نه چیز دیگر. ممکن است این

توهم به وجود آید که بعضی از مواضع فوق از

سر محافظه کاری ممکن است اتخاذ شده باشد که البته این طور نیست. ما ملتی منطقی و دولتی قانونگرا داریم.

ما محافظه کار نیستیم. بدون ترس حرف می زنیم. آنچه مصلحت کشور ماست انجام می دهیم. استکبار جهانی ما را در جنگ هشت ساله به شجاعت شناخت. در این جنگ صدام مورد حمایت آمریکا، اتحاد شوروی، فرانسه دول اروپایی و کشورهای منطقه قرار گرفت. حتی فرانسه در یک اقدام کم نظیر ده فروند هواپیمای بسیار مدرن «سوپر اتاندارد» رابه صورت قرض؟! در اختیار صدام گذاشت تا مناطق اقتصادی ما را نابود کند. آمریکا علاوه بر تشویق کشورها برای کمک به صدام در جهت شکست انقلاب اسلامی، دوبار «دونالد رامسفلد» وزیر دفاع فعلی را برای بررسی نیازهای تسلیحاتی و اطلاعاتی به عراق فرستاد. اخیراً رامسفلد در گفتگوی شبکه رادیوی CBC آمریکا به این امر اعتراف کرد و گفت:

باید به یاد داشته باشید که در آن زمان ایران و عراق در جنگ بودند. دوستان، در منطقه نگران این بودند که ایران پیروز خواهد شد. ما هم عمیقاً نگران بودیم. چون پیروزی ایران موجب ایجاد بی ثباتی در کل منطقه می شد. به این دلیل از من خواسته شد به عراق بروم. در این سفر با طارق عزیز و صدام حسین ملاقات کردم. گفتگوی ما بسیار مفید بود. صدام می دانست در چه شرایطی قرار دارد و مایل به دریافت کمکهای ما بود تا بتواند با اطلاعات بهتری با ایرانیان

مقابله کند. «رامسفلد افزود: دوره مأموریت من به عنوان نماینده دولت آمریکا در خاورمیانه شش ماه طول کشید و درست بعد از انفجار تروریستی در بیروت بود که موجب کشته شدن ۲۴۱ سرباز آمریکایی شد. تا آنجا که من اطلاع دارم بعد از سفر من به عراق، دولت آمریکا (ریگان) اطلاعات نظامی در اختیار صدام قرار می داد و به جای اینکه جنگ به پیروزی ایران انجامد، متوقف شد.» (۱۵)

این در شرایطی بود که نیروهای مسلح ما که عمده تسلیحات و سلاحهای سنگین مورد استفاده شان آمریکایی و غربی بود در طول جنگ نه قطعات یدکی دریافت کردند و نه سلاح جایگزین داشتند. انواع گلوله ها و موشکهای مصرفی که آمریکایی بود ته کشید. اما قوای مسلح ما با اتکاء به قدرت قاهره پروردگار و برخلاف میل آمریکا پیروز شدند و موفق گشتند نیروهای اشغالگر بعثی را از سرزمینهای مقدس خود خارج سازند. نیروهای مسلح ما امروز قوی تر از همیشه در دفاع از تمامیت انقلاب آمادگی دارند. برخلاف ادعای آقای رامسفلد (که ترس از پیروزی ایران اسلامی به دلیل ایجاد بی ثباتی در کل منطقه موجب کمک غرب به عراق شد) کمکهای اطلاعاتی و تسلیحاتی آمریکا به عراق موجب شد که صدام در سال ۱۹۹۱ کشور مستقل کویت را به اشغال خود درآورد و خسارتهای زیادی به کل منطقه و به کویت وارد کرد.

غرور دولتمردان آمریکا نگذاشت که اقرار کنند کمک به صدام غلط و اشتباه بوده است.



آن تعیین این عناصر کم تجربه، حکایت از نداشتن استراتژی توسط آمریکا است. اشغال عراق از دید نگارنده استراتژی نیست. تاکتیک هم نیست. چون این اقدام آمریکا فاقد ابزارهای تاکتیک و استراتژی است. اگر آمریکا در اشغال عراق استراتژی می داشت برای رفتار با گروهها و احزاب عراقی و حتی برای تماس با اقوام و قبایل متعدد و متفاوت عراق و همسایگان عراق فایل وبکس و پرونده و پوشه مخصوص به خود داشت و برای هر پرونده عنصری مناسب و کاردان می گماشت. که این گونه نیست. کاخ سفید تخت تأثیر تلقینات رامسفلد و همکاران نظامی فقط توسل به سلاحهای مدرن و فوق مدرن را در دستور کار داشت. بی تدبیری، بی برنامه‌گی، روزمرگی و به دنبال حوادث رفتن، مهم ترین دلایل این مدعاست. از طرفی، بزرگ دیدن مسائل، دلیل بر کوچک بودن افراد است. شخص قدرتمند می تواند در اوج قدرت نظامی - سیاسی همه چیز را یا سیاه ببیند و یا سفید. اما همین عنصر وقتی با واقعیتها مواجه شود دیگر نمی تواند مانند گذشته فکر کند و تصمیم بگیرد. ببیند:

به گزارش واحد مرکزی خبر^(۶) حاکم آمریکایی عراق به افزایش روند حملات ضدآمریکای در روزهای گذشته اعتراف کرد. پل برمر گفت: نیروهای ما در بخشهای مختلف کشور در ساعات گذشته با چندین حمله مواجه شدند. وی افزود: این مهاجمان بازماندهای نیروهای صدام موسوم به فداییان صدام هستند.

همچنان که هرگز آنها اقرار نکردند که به قدرت رساندن طالبان در افغانستان غلط و اشتباه دیگر آنهاست. اصولاً افراد مغرور اشتباه می کنند و چون اقرار به اشتباه ندارند باز هم تکرار می کنند. اشغال عراق اشتباه دیگر آمریکاست.

تحولات سریع در عراق پس از اشغال

به باور نگارنده، غرور پنتاگون اجازه نداد تا تصمیم گیرندگان سیاسی، آثار و تبعات اشغال عراق را به صورت جدی و علمی بررسی کنند و راه حل مناسب ارائه دهند. مصاحبه های ضد و نقیض و گهگاه خام و غیرمناسب مقامات آمریکایی موبد این نظر است. وقتی کاخ سفید به توصیه پنتاگون و مقامات رادیکال و نظامی پس از اشغال عراق یک ژنرال سرکوبگر و غیرسیاسی به نام «ژنرال گارنر» را به عنوان حاکم عراق تعیین کردند مشخص بود که پشت صحنه این انتخاب، عناصری بی تدبیر و ناوارد به امور خاورمیانه عموماً و به مسائل عراق به خصوص، قرار دارند. اگر تصمیم گیران آمریکایی می دانستند با مردم سیاسی باسلاح و با عناصر غیرسیاسی نمی توان برخورد کرد هرگز از ژنرال گارنر در این مقطع حساس استفاده نمی کردند. البته آنها با تأخیر متوجه اشتباه خود شدند و گارنر را محترمانه کنار گذاشتند و شخص «پل برمر» را جایگزین وی کردند.

گذشته این عنصر غیرنظامی نشان می دهد که این شخص فاقد تدبیر و درک و فهم لازم برای اداره عراق پس از اشغال است. مهم تر از

از طرف دیگر شبکه بین‌المللی العربیه^(۱۷) اعلام کرد: فرد ناشناسی با بمب دست‌ساز به دو خودروی حامل نظامیان آمریکایی حمله کرد. در این حمله تلفاتی به نیروهای آمریکایی وارد آمد. در همین روز برای چندمین روز پیاپی نیروهای آمریکایی در فلوجه با آتش سلاحهای خودکار افراد ناشناس روبرو شدند. در فلوجه هر روز به نیروهای آمریکایی حمله می‌شود. از طرف دیگر «ویلیام کریستین پل» سیاستمدار با نفوذ آمریکایی گفت: همان‌طور که در اروپا ۶۰ سال بعد از نیروهای جنگ دوم جهانی ماندگار شدیم ممکن است در عراق نیز این‌گونه عمل شود. وی افزود: دلیلی برای نماندن آمریکا در عراق وجود ندارد.^(۱۸)

اینها دلیل ناتوانایی و بی‌تدبیری است. اعلام ماندگاری آمریکا به مدت ۶۰ سال در عراق هیچ چیزی جز واکنش خصمانه و تندمردم عراق با هر مذهب و دیدگاه سیاسی در پی ندارد. علاوه بر آن همه کشورهای که خواستار خروج آمریکا از عراقند، از این گفته‌ها به خشم می‌آیند. اظهارات ویلیام کریستین پل خشم و خصومت مردم دنیا و مخالفت مقامهای کشورهای نسبت به آمریکا افزایش می‌دهد. مقاومت مردم عراق در برابر این اظهارات نتیجه تلقینات همسایگان عراق نیست. باید به آقای پل گفت دلایل زیادی دارد که نمی‌توانید در عراق بمانید.

فرجام

بی‌کفایتی، خشونت، ستمکاری و هنجارشکنی رژیم بعث عراق موجب بروز بحرانی در این کشور شد که دامنه آن کل منطقه را دربرگرفت.

کشته و سه نفر مجروح شدند.^(۱۹) مقامهای آمریکایی اعلام کردند: ظرف یکماه گذشته ۸۵ بار به نیروهای آمریکایی در عراق حمله شده است. حاصل این حملات ۴۰ کشته و ۷۶ مجروح بوده است.^(۲۰) این حملات ادامه دارد. البته باید توجه داشته باشیم که این اخبار با کنترل پنتاگون منتشر می‌شود. به طور قطع میزان تلفات و مجروحان آمریکایی در عراق و حجم حملات بیشتر از اینهاست. اتحاد شوروی سابق نیز بی‌توجه به ملاحظات فوق به اشغال افغانستان دست زد. این اشغال مبداء بسیاری از تحولات در خاورمیانه و در جهان شد. بروز پدیده شوم طالبان و بن‌لادن و حوادث تروریستی فراوان در نقاط مختلف جهان آثار ناهنجار اشغال افغانستان توسط شوروی سابق است. ضمن اینکه یکی از عوامل سقوط شوروی و فروپاشی نظام سوسیالیستی در این کشور آثار اشغال افغانستان است. کارشناسان سیاسی پدیده زشت جهان تک‌قطبی و شعارها و هنجارشکنیهای آمریکای بی‌رقیب از جمله اشغال عراق را از آثار زیانبار اشغال افغانستان می‌دانند. باش تا صبح دولتت بدمد. کاین هنوز از نتایج سحر است.



برقرار کنیم. تمامی هم و غم ما این است که کشورمان را به لحاظ فرهنگی و اقتصادی طوری بسازیم تا همواره مردم ما از انقلاب اسلامی حمایت کنند و از داشتن جمهوری اسلامی افتخار کنند. ما در پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی و در دفاع از تمامیت ارضی قدرتمندتر از همیشه ایم. ما برای دفاع از شرف خود از هیچ کس اجازه نمی‌گیریم. به رغم این اصل ثابت، همواره صلح و ثبات را بر هر چیز ترجیح می‌دهیم. دنیا تشنه صلح است.

پانوشتها

- ۱- واشنگتن پست ۸۷۳۲۵
- ۲- خبرگزاری فرانسه به نقل از واحد مرکزی خبر ۲۸ آبان ماه ۸۱
- ۳- شبکه تلویزیونی CNN ۸۷۱۲۱۷
- ۴- شبکه الجزیره ۸۲/۱۱۲
- ۵- روزنامه همشهری، ایران، اطلاعات و کیهان و جمهوری اسلامی روزهای یکشنبه ۸۲/۱۱۷ و پنجشنبه ۸۲/۱۲۱ به نقل از خبرگزاریهای بین‌المللی.
- ۶- خبرگزاری فرانسه، سه شنبه ۸۲/۳/۱۳
- ۷- استقلال الجزایر ص ۸۶ اثر احمدین بلا اولین رئیس جمهور الجزایر.
- ۸- یک ویتکنگ یک میلیون دلار ص ۸۳.
- ۹- تحلیل جنگ ویتنام، سرهنگ غلامرضا نجاتی، ص ۲۲۶.
- ۱۰- خاطرات تاج الملوک مادر محمدرضا پهلوی، کیهان، یکشنبه ۸۷/۱۰/۲۹ ص ۳.
- ۱۱- روزنامه کیهان، چهارشنبه ۷ خرداد ۸۲ ص ۱۶، به نقل از خبرگزاری فرانسه.
- ۱۲- شبکه G-N-N، دوشنبه ۸۲/۳/۱۳
- ۱۳- خبرگزاری روترز ۸۲/۳/۱۵
- ۱۴- نهج البلاغه نامه ۵۳، ص ۵۶۴، ترجمه محمد دشتی.
- ۱۵- شبکه رادیویی CBC، تاریخ پانزدهم نوامبر ۲۰۰۲.
- ۱۶- روزنامه جمهوری ۸۲/۳/۱۹
- ۱۷- شبکه العربیه هشتم ژوئن ۲۰۰۳.
- ۱۸- خبرگزاری رویترز روز یکشنبه هفتم ژوئن ۲۰۰۳.
- ۱۹- تلویزیون ابوظبی هشتم ژوئن ۲۰۰۳.
- ۲۰- واحد مرکزی خبر دوشنبه نوزدهم خرداد ۱۳۸۲.

سپس خاورمیانه را تحت تأثیر قرارداد و سرانجام موج برخاسته از این بحران دنیا را عمیقاً لرزاند و شدیداً تکان داد.

هر حکومتی که عناصر چهارگانه بی‌کفایتی، خشونت، ستمکاری و هنجارشکنی را در درون خود داشته باشد سرنوشتی مانند رژیم عراق را در انتظار دارد. حتی اگر چنین خصصتهایی در دولتمردان آمریکا باشد سرنوشت محتوم زوال زودهنگام است.

امروز اشغال کشورها با هیچ بهانه و دلیلی قابل قبول نیست. امروز مردم دنیا بیدار و هشیار شده‌اند. فاصله‌ها کم و ارتباطات پیوسته و همه جانبه است. توسعه خبری و انقلاب خبررسانی موجب بیداری شگرف و شگفت‌انگیز مردم دنیا شده است. این بیداری موضوعی مبارک و امیدبخش است. بیداری را نمی‌توان به بند کشید. آزادی را نمی‌توان محدود کرد. تحقیر ملتها غیرقابل قبول است. ستم سوزی فطری است.

مردم عراق نمی‌توانند اشغال کشورشان را بپذیرند. آنها با مقاومت خود دولتمردان خشونت‌گرا و اشغالگرا آمریکایی را پشیمان می‌کنند. صف کشته‌های آمریکاییها در عراق طولانی خواهد شد. بهتر است آمریکا به جای تحلیلهای غلط و متهم کردن دیگر کشورها، تا دیر نشده، محترمانه از این کشور خارج شود و مردم عراق را در انتخاب دولت موردنظر خود آزاد بگذارد.

ما دخالتی در امور عراق نداریم. نمی‌خواهیم در عراق جمهوری اسلامی موردنظر خود

